

یک دکان پاخسه‌گین نمناک جایگیر بود. کارکنان روزنامه و حروفچینان اذیت می‌کشیدند. روزهای دراز در میان قیل و قال بازاریان، صداهای ناهنجار دستگاه‌های استاخانه‌ها، عربده‌های درویشان، ناله‌های گدایان و شبهای تار در روشنایی چراغ‌های کرسینی کم‌نور، در گرما و سرما روزنامه را منتشر می‌کردند... متأسفانه روزنامه‌نگاران کارآموده ملی انگشت‌شمار بودند. برای چاپ روزنامه کاغذ نمی‌رسید. بنابر این روزنامه «بیداری تاجیک» هفته‌ای سه بار، دو بار و گاهی یک بار می‌برآمد».

او در یادداشتش از کمیسر معارف تاجیک عباس علی‌اف که اولین محرر روزنامه مذکور بود، از اولین معاش‌گیران روزنامه - سیدباقر قاسم‌اف و مهدی تهماسب‌اف که بعد محرر هم شده‌اند و از دیگر محرران مسئول «بیداری تاجیک» استاد ا. لاهوتی، قلی عابدین‌اف، سیف‌الله عبدالله‌اف، نثارمحمداف، م. حسنی، قنبرزاده، م. سعیدزاده. کلیمچتسکی، آ. کوزنیتسوف با احترام یاد می‌کند. او همچنین در جمع اولین مخبران سلیم‌زاده، غ. علی‌زاده، حکیم کریم، حیرت‌زاده، صادق‌اق، محمدجان رحیمی و رحیم‌زاده از وی نام می‌برد.

فعالیت سب

پیشروان مطبوعه

بیشتر می‌باشد.

زلفیه عطایی*

زائور دخته، مردی از تبار هنر

دنیای پراسرار و رازگونه افاده‌گر تابش‌های گوناگون دید آدمی به

* شاعره، سردبیر مجله «فیروزه».

طبیعت افسون‌کار و لحظه‌های حساس و ناتکرارند. هر کس جهان را با دید خود می‌بیند و آن را به آن گونه که می‌خواهد نمودار می‌سازد. زائور دخته، یکی از هنرمندانی از این دست است که از طریق دنیای تصویر انسان و طبیعت را به سبک خود تفسیر می‌کند. نگارنده بخشی از اظهار نظر مخاطبان و مخلصان او از اقشار گوناگون جامعه را بازگو می‌نمایم:

«ذوق بلند و بینش زیبایی او هنر صورتگری‌اش را شکوه بخشیده است...»

«بر اثر عکس‌های شما عاقبت هنر دیدن، احساس نمودن، شنیدن احیا می‌گردد... در اثرهایتان هر خط و سایه و نفس طبیعت زنده است. منظره‌های وجدانگیز، انعکاس ماهرانه طبیعت به خود خاص خلق تاجیک، کم‌نظیر است...»

«نظر خداداد، معجزه الهام‌بخش...»

«بار دیگر اثبات نمودید که صورت و صورتگری صنعت قدیم است و بازگشتن به این هنر ضرورت معنوی است...»

«حقیقت‌نگارانه، زیبا، نوربخش، دل‌انگیز...»

«ما امروز توانستیم به عالم با چشمان شما نظر افکنیم و فهمیدیم که محیط ما تا چه اندازه دلرباست. تشکر به جهان ناتکرارتان...»

«به شرافت هنر و استعدادتان لحظه‌های زندگی عمر جاودانی یافتند...»

«من به عالم اطراف، زیبایی‌های اطراف بی‌پروا بودم. اکنون چشم من

بیدار شد...»

این شمه‌ای از تأثرات اقشار مختلف جامعه اعم از استاد و دانشجو، اقتصاددان و کارگردان، نقاش و سیاستمدار، دانش‌آموز و کارمند، نویسنده، معمار، کشاورز و دهها نفر ساکنان و مهمانان دور و نزدیک پایتخت تاجیکان

است که پس از دیدن عکسهای زائور ابراز کرده‌اند.

زائو دخته در شهر مَخاچ قلعه جمهوری داغستان متولد شد. از اوان کودکی هیچ گاه آرزوی فیلمبردار شدن را در سر نمی‌پرورید، بلکه بیشتر به حرفه طراحی هواپیما دلبستگی زیاد داشت و خیالاً «طیاره‌ها» می‌ساخت، در محافل مدل‌سازی هواپیمایی شرکت می‌کرد و در مسابقه‌های جمهوری عمومی شرکت می‌نمود.

پدرش که از مهاجران ایران بود، زائور را ملزم به تحصیل در مدرسه شبانه‌روزی بین‌المللی پسرانه کرد. وی پس از مکتب میانه، متأسفانه نتوانست به آموزشگاه عالی هوانوردی داخل گردد و ناچار به دانشگاه انرژی ایواناوا درآمد. اما به دلیل عدم دلبستگی، پس از سه ماه ترک تحصیل کرد.

گردش ایام و نصیب روزگاران او را به سرزمینی آورد که با تقدیر آینده‌اش می‌پیوست. در سالهای دهه پنجاه به تاجیکستان کوچ بستند. ولی در ابتدا کاری نمی‌یافت. از این رو اجباراً بی‌مزد در کارگاه عکاسی استودیو سینمایی «تاجیک‌فیلم» به فعالیت پرداخت و آهسته آهسته با دقایق و نازکیهای پیشه فیلم‌برداری هم آشنا شد. در این راه، شخصیت معتبر، استادش محمدقل عرب‌اف راهنمایش بود که همیشه از رهنمودها و مهربانی‌های او یاد و سپاسگزاری می‌کند. سال ۱۹۶۰ وارد شعبه غیرحضوری دانشکده فیلم‌برداری انستیتو دولتی عمومی‌اتفاقی سینمایی گردید و بدین ترتیب به عالم جذاب و پیچیده هنر هفتم وارد شد.

خوشبختی با تلاش و زحمت و جستجو به دست می‌آید.

از دفتر خاطرات زائور دخته:

«سال ۱۹۶۱ بود. استاد م. عرباف به من اولین بار وظیفه مستقل سپرد. لازم آمد که رفته در باره نیروگاه برقی آبی نوبنیاد ولایت قرغان تپه سوژه بردارم. همان وقت به من استادم بارها تأکید نموده بود که از نوارهای قالبی دست کشم. زیرا آن وقت اکثر فیلمبرداران با چنین طرز فیلم می برداشتند. همین طور در مدت کوتاه فیلم را در دو نسخه برداشتم. نسخه اول را به مسکو فرستادند، نسخه دوم را در استودیو سینما به یک کارگردان سپردند. او از نگاه خود فیلم را تدوین کرد، در شورای هنری بخش خبر به فیلم درجه سوم را مناسب دانستند. این البته الم آور بود که محصول جستجوی‌هایم چنین قدر کرده شد. نهایت پس از چند وقت از مسکو خوش‌خبر آمد. فیلمم درجه اول را صاحب شد. این لحظه تا حال از لوح خاطرم فراموش نمی‌شود.

در کارم از همه مهم آن را می‌شمارم که در نوار هر فیلم پابند فرمان‌های تهیه‌کننده نشده، منظره ناتکرار طبع دل را عرضه کند و همکارانم بازیافت مرا بپذیرند. در چنین لحظه هر کس تمام رنجش را فراموش می‌کند. چنین می‌نماید که بار اول به کار مقدسی شروع پرداخته باشی.

بارها دوستانم می‌پرسیدند که چرا من شغل تهیه‌گری را پیشه نمی‌کنم. در حقیقت کار تهیه‌گری پرمسئولیت است. ولی دقت کنید که، فیلمبردار خوب شدن، زحمت زیاد را طلب می‌کند. ما بدون عکس‌برداری باز علمهای دقیق را باید خوب دانیم. به این مقصد کارگردان خوب بی فیلمبردار نوجوی یک قدم پیش گذاشته نمی‌تواند. اگر تماشا بین فیلم را قدر کند، پسندد، وی سر اول کشفیات تهیه‌گر و فیلمبردار است. به این معنی در هر فیلم آفریده‌ام، رنج خودم را به خوبی می‌بینم.»

احساس خوشبختی و سعادت زمانی است که حس احترام و حرمت جامعه نسبت به ما برانگیخته شود.

زائور دخته بیشتر از سی سال عمر بابرکتش را صرف تولید در «تاجیک فیلم» نمود و قریب ۷۰۰ فیلم مستند و هزار سوژه برای نشریه‌های «نویگری‌های روز»، «تاجیکستان سوویتی»، «کلتک» و امثال اینها آفرید. وی به عنوان فیلمبردار و کارگردان فیلم‌های معروف مستندی همچون «ملکه»، «میرزای ما»، «باقی رحیم‌زاده»، «استاد»، «عید عروسان»، «کشور آفتاب و کوهها» و ... را منظور تماشاچیان گرداند که برگرفته از گنجینه‌های تاریخی است. این شخصیت نجیب راجع به دو فیلم جالب خود- «ملکه» - از روزگار هنرمند مشهور تاجیک ملکه صابراوا و «فضا خانه اوست»- راجع به کامیابی‌های قهرمان جهان یوری باران‌اف در یکی از مصاحبه‌هایش چنین گفته است:

«برای آفریدن فیلم «ملکه» من قریب شش سال حیاتم را به جستجوی نوارهای ناتکرار صرف نمودم. در هر یک نمایش هنری‌اش اشتراک نموده، لحظه‌های عجیب را می‌جستم. در فیلم «فضا خانه اوست» من همچون ورزشگر فیلم آفریدم. وقتی که من از زمین ایستاده فرود چترداران را به نوار می‌گرفتم، آن طوری که به من مقبول بود، کادرها نمی‌برآمدند. مجبور شدم که با آنها یکجایه پرواز کرده، از نزدیک بازی‌های هوایی آنها را به نوار گیرم. بارها همکارانم به من مصلحت دادند که با دوربین پرواز کردن و نوار گرفتن خطرناک است. اگر من همان وقت از رأی‌ام می‌گشتم، فیلم جالب نمی‌برآمد. با دوربین ۱۱ کیلویی پرواز کرده تمام بازی‌های هوایی را از نزدیک به نوار گرفته، در فیلم تجسم نمودم.»

انسان خوشبخت کسی است که با شغل و پیشه‌اش رابطه‌ی صادقانه دارد. نخستین فیلم هنری که آخر سالهای شصت زائور دخته در تهیه آن به عنوان فیلمبردار سهم گذاشت، محصول کارگردان تاجیک صحبت حامداف «واخوری در نزد مسجد کهنه» می‌باشد.

فیلم مذکور که در خصوص اختلافات خانوادگی در سال‌های دهه ۲۰ عصر گذشته روایت می‌کند، در زمان خود از نظر تکنیک فیلمبرداری نیز بسیار اعتبار و شهرت کسب نمود و باعث گردید استادان مشهور سینمای تاجیک مانند کارگردانهای شناخته - بوریس کیمیاگراف، پولاد فیضی‌اف، والری احداف وی را به همکاری دعوت نمایند.

طراوت خاصی که در نگاه هنری و غیرعادی او، درک نازک جنبه‌های فلسفی وقایع و تضادهای درونی قهرمانان فیلم‌هایی همچون «چهار نفر از چارسنگ»، «سلام، آدم نجیب»، «بود نبود، در صنف یکم بود»، «که به تروسکاویتسک می‌رود؟»، «شیرک جسور» و... وجود دارد و قدرت انعکاس آن، از ویژگیهای فنی زائو دخته است.

درک او از سوژه، درکی منطقی بود و قدرت تحلیل وی باعث می‌شد که تمام وقایع به صورت یک رشته و زنجیره منطقی و پیوسته تجسم یابد. بیهوده نیست که آثار گوناگون وی بارها در جشنواره‌های بین‌المللی فیلم در کشورهای مثل روسیه، امریکا و کشورهای بالتیک سزاوار دریافت جوایز ارزنده گردید.

زائور دخته طی ده دوازده سال اخیر و بعد از بازنشسته شدن، جدی‌تر به هنر عکاسی رو آورد. در بایگانی او هزاران عکس گوناگون محفوظند. سال ۲۰۰۴ در تالار «کاخ وحدت» اولین نمایشگاه آثار او برگزار شد که روشنفکران

تاجیک خیلی خوش این واقعه را پذیرفتند و بهای سزاوار دادند. سپس نمایشگاههایی از آثار عکاسی او در کشورهای چین، هندوستان، ژاپن، آلمان و ازبکستان دعوت برگزار گردید. همچنین اکثر آثار عکاسی «تاجیکستان معاصر» که به افتخار روزهای فرهنگی جمهوری تاجیکستان در جمهوری های روسیه، فرانسه، چین، هندوستان، قزاقستان، آذربایجان، بیلاروس و ایران تهیه شده، گواه هنر نادر زائور دخته است. همچنین برگزیده ای از بهترین آثار عکاسی وی از یادگاری های تاریخی و معماری و فرهنگی تاجیکستان در مجموعه ای با عنوان «یادگاری های تاریخی - معماری تاجیکستان» با کیفیت عالی در تهران چاپ گردیده است...

زائور دخته، انسانی پاک نهاد، حلالکار و شکسته نفس است و با آنکه سن مبارکش از هفتاد گذشته، آرزوهای بزرگ دارد.